

قابل انتشار در (دوره ۱۶ شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۷) نشریه پژوهشهای حقوق جزا و جرم شناسی

۱- محمدمهدی صادقی، دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی

مشهد، مشهد، ایران. mmsadeghiamol011@gmail.com

۲- عبدالرضا جوان جعفری (نویسنده مسئول)، استاد، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه

فردوسی مشهد، مشهد، ایران. Javan-j@um.ac.ir

۳- سید مهدی سیدزاده ثانی، استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد،

مشهد، ایران. seidzadeh@um.ac.ir

جستاری در برهم کنش میان جرم‌انگاری و فرهنگ در نظام حقوقی ایران از چشم‌انداز نظریه‌ی تأخر فرهنگی

چکیده

فرهنگ، مجموعه‌ای از عناصر گوناگون همچون ارزش‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها، سبک‌های زندگی و قانون است که افراد یک جامعه را به یکدیگر پیوند می‌دهد. طبق نظریه‌ی تأخر فرهنگی، سرعت تحول این عناصر یکسان نیست و برخی از آن‌ها سریع‌تر از سایرین متحول می‌شوند. عرصه‌ی ظهور این تأخر در جوامع دارای تنوع فرهنگی مانند ایران ممکن است فرهنگ غالب و حاکم بر رفتار اکثریت اعضای جامعه و یا خرده‌فرهنگ باشد. در این پژوهش که از نوع بنیادی نظری بوده و به لحاظ هدف، توصیفی است و اطلاعات با استفاده از کتاب‌ها و مقالات به زبان فارسی و انگلیسی گردآوری شده‌اند، با مصداق‌یابی در قوانین کیفری ایران، دو نوع تأخر میان برخی از انواع جرم‌انگاری‌ها با هنجارهای فرهنگی حاکم بر رفتار تمام یا گروهی از اعضای جامعه استخراج شده است: نخست، تأخر خرده‌فرهنگ نسبت به جرم‌انگاری و آن زمانی است که رفتار موضوع جرم‌انگاری تنها مورد پذیرش برخی از خرده‌فرهنگ‌ها باشد و مورد پذیرش فرهنگ غالب جامعه قرار نگیرد؛ مانند جرم‌انگاری حمل و استفاده از اسلحه‌ی غیرمجاز و قاچاق سوخت که ارتکاب آن‌ها بیشتر در استان‌های غربی و جنوبی کشور رواج دارد و به هویت فرهنگی برخی از افراد تبدیل شده است. دوم، تأخر جرم‌انگاری نسبت به فرهنگ که در صورت پذیرش یا دست‌کم عدم رد رفتار موضوع جرم‌انگاری از سوی فرهنگ غالب، محقق می‌شود؛ نظیر حضور بانوان در خیابان با پوشش نامناسب و یا استفاده از دستگاه‌های دریافت‌کننده‌ی شبکه‌های ماهواره‌ای به مثابه امری بهنجار از سوی برخی از اعضای جامعه. جرم‌انگاری این رفتارها احتمالاً در دستیابی به اهدافش ناکام مانده است. تأخر فرهنگی از هر دو نوع آن، گسترش قانون‌شکنی، تضعیف اقتدار اخلاقی قانون کیفری و مجازانگاری ممنوعیت‌ها را به دنبال دارد.

واژگان کلیدی: فرهنگ، تأخر فرهنگی، جرم‌انگاری، قانون‌گذاری کیفری، هنجارهای فرهنگی، بسترهای اجتماعی.

Essay on the interaction between criminalization and culture in Iran's legal system from the perspective of the theory of cultural lag

Abstract

Culture is a set of various elements such as values, subcultures, lifestyles and law that bind people of a society together. According to the theory of cultural lag, the speed of evolution of these elements is not the same and some of them evolve faster than others. The field of emergence of this lag in culturally diverse societies like Iran may be the dominant culture that governs the behavior of the majority of society members or a subculture. In this research, which is kind of a basic theoretical and is descriptive in terms of its purpose, and the information is collected using books and articles in Persian and English, Two types of lag have been extracted between some types of criminalization and cultural norms governing the behavior of all or a group of society member with examples in the criminal laws of Iran: First, the lag of the subculture in relation to criminalization is when the behavior subject to criminalization is only accepted by some subcultures and is not accepted by the dominant culture of the society. Such as the criminalization of the carrying and use of illegal weapons or fuel smuggling, which have become the cultural identity of some people only in the western and southern provinces of the country of Iran. Second, The lag of criminalization compared to the culture, which is realized in the case of acceptance or at least not rejection of the behavior of the subject of criminalization by the dominant culture; Such as the presence of women in the street with a veil Inappropriate or use of satellite network receiving devices as a normal thing by some members of the society. The criminalization of these behaviors has probably failed to achieve its goals. Cultural lag of both types leads to the spread of law-breaking, the weakening of the moral authority of the criminal law, and the permissible supposing of prohibitions.

Keywords: culture, cultural lag, criminalization, criminal legislation, cultural norms, social context.

با اینکه ارائه‌ی تعریفی جامع از فرهنگ دشوار است؛ اما از مجموع تعاریفی که جامعه‌شناسان از این مفهوم به دست داده‌اند می‌توان نتیجه گرفت که فرهنگ مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، زبان، مذهب، کیفیت تفسیر وقایع، شیوه‌های رفتار، سبک زندگی، نهادها و قوانین و مقرراتی است که افراد یک جامعه را به یکدیگر پیوند می‌دهد.^۱ افزون بر فرهنگ غالب و حاکم بر هر جامعه، طبقات، قشرها و گروه‌های مختلف جامعه دارای فرهنگ ویژه‌ی خود هستند که ریزفرهنگ یا خرده‌فرهنگ^۲ خوانده می‌شود. در تعریف خرده‌فرهنگ گفته‌اند که آن «بر دستگامی از ارزش‌ها، سلوک‌ها، شیوه‌های رفتار و طرز زندگی یک گروه اجتماعی که از فرهنگ مسلط جامعه‌ی مفروض، متمایز ولی با آن مرتبط است، اطلاق می‌شود.»^۳ در یک جامعه‌ی به لحاظ فرهنگی پیچیده و ناهمگون مانند ایران، فرهنگ غالب، حداقل توسط اکثریت اعضای یک جامعه از طریق آموزش و تقلید به اشتراک گذاشته شده و منتقل می‌شود. در این جوامع، خرده‌فرهنگ‌ها و ضدفرهنگ‌هایی که رفتار، نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای بخش‌های کوچک‌تری از جمعیت را شکل می‌دهند نیز معمولاً وجود دارند.^۴ در جامعه‌شناسی، یکی از مهم‌ترین کاربردهای خرده‌فرهنگ، مربوط به مطالعاتی است که در مورد قانون‌گریزی و نقض هنجارهای رسمی از سوی خرده‌فرهنگ‌ها انجام می‌شود. نظریه‌ی «تأخر فرهنگی»^۵ می‌تواند این موضوع را به روشنی تشریح سازد.

این نظریه که از سوی ویلیام اگبورن، جامعه‌شناس آمریکایی، مطرح شده است، دلالت بر تمایز میان اجزای مختلف فرهنگ از حیث آهنگ تحول آنان دارد. به گفته‌ی اگبورن، در فرایند تغییر و تحول فرهنگ ضرورت دارد که اجزای گوناگون آن هماهنگ و در موازات با هم تغییر کنند تا هدف‌های جامعه تأمین شود.^۶ اصولاً نیز این اجزا در حالت هماهنگی و همگرایی قرار دارند. اما گاهی این اتفاق نمی‌افتد و پیشرفت در یک ساحت فرهنگ و عقب‌ماندگی در ساحت دیگر سبب ناهماهنگی و واگرایی در سازه‌های فرهنگی می‌شود. این ناهماهنگی بین ساحت‌های فرهنگ، تأخر فرهنگی را به دنبال دارد. تحول برخی از اجزای فرهنگ مانند قانون، ممکن است سریع‌تر از سایر اجزا مانند آداب و رسوم، سبک زندگی، نظام باورها و ارزش‌ها صورت گیرد و یا سرعت تحولات قانونی، آهسته‌تر از تحولات هنجاری در جامعه باشد. در هر دو حالت، تأخر فرهنگی منجر به پیامدهای نامطلوبی می‌شود.^۷ از جمله اینکه باعث گسترش قانون‌شکنی، تضعیف اقتدار اخلاقی قانون، مجازانگاری ممنوعیت‌ها و تزلزل پیکره‌ی فرهنگی جامعه می‌شود و آن را به سوی ناسازگاری و بی‌سازمانی می‌کشاند.^۸ در وضعیت بی‌سازمانی، پیوندهای اعضای جامعه نسبت به همدیگر سست می‌شود و برخی از ایشان، دیگر از کنترل‌های اجتماعی هنجاری پیروی نمی‌کنند؛ زیرا اجتماعات بی‌سازمان قادر به درک ارزش‌های مشترک ساکنان و حل مسائل مختلف نیستند.

1. Patricia Marshall & Barbara Koenig, "Accounting for Culture in a Globalized Bioethics". *Journal of Law, Medicine and Ethics*, 32, 2 (2004), 260.

Graener Turner, *British Cultural Studies: An Introduction* (London: Routledge, 2003), 12.

2. Sub-Culture

۳. پروین سازگار، نگاهی به جامعه‌شناسی با تأکید بر فرهنگ (تهران: کویر، ۱۳۷۷)، ۹۸-۹۹.

4. Josephine Ruggiero, *Culture, Change, and Cultural Lag: A Commentary and a Challenge* (Digital commons. Providence Edu, 2018), 1.

5. Cultural Lag

6. William F. Ogburn, *Social change with respect to culture and original nature* (New York: B.W. Huebsch, Inc, 1992), 200.

۷. محسنی، منوچهر، بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران (تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶)، ۸۰.

۸. ویلیام ف. اگبورن و مایر ف. نیم‌کوف، زمینه‌ی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس امیرحسین آریان پور (تهران: نشر گستره، ۱۳۸۸)، ۴۳۶.

اگورن مثال‌های جالب‌توجهی از تأخر قانون نسبت به فرهنگ و بالعکس می‌زند. مثلاً با اینکه «قانون حق‌های مدنی»^۹ در سال ۱۹۶۴ در آمریکا تصویب و به موجب آن مقرر شد که هر گونه تبعیض بر اساس نژاد، رنگ و مذهب در تخصیص فرصت‌های شغلی و امکانات رفاهی عمومی ممنوع است، وجود فرهنگ دیرپای سفیدسالاری^{۱۰} باعث شد که تا امروز هم بخش عمده‌ای از سفیدپوستان آمریکایی تن به پذیرش برابری اجتماعی سیاه‌پوستان با خودشان و رفع تبعیض ندهند. این مثال، دلالت بر تأخر فرهنگ سفیدسالاری نسبت به قانون حق‌های مدنی دارد.^{۱۱} در مقابل، اگورن برای تأخر قانون نسبت به فرهنگ، نمونه‌ای از تاریخ می‌آورد. در عهد ادوارد یکم^{۱۲} در انگلستان در قرن ۱۳ میلادی فرهنگ استفاده از ماده‌ی سوختنی خاص برای مصارف گوناگون گسترش یافت. اما قانون‌گذاران محافظه‌کار انگلیسی در اقدامی عجیب بر خلاف خواست جامعه و در جهت مبارزه با این فرهنگ، استفاده از آن را به بهانه‌ی ناشناخته بودن غیر قانونی اعلام و حتی قضات، شخصی را به همین اتهام محاکمه و اعدام کردند. این ماده‌ی سوختنی که مصرفش جرم‌انگاری شد، چیزی جز زغال سنگ نبود.^{۱۳}

قانون، پدیده‌ای اجتماعی است که با قوه‌ی قهریه‌ی دولت رسمیت یافته و به تنظیم امور جامعه می‌پردازد. بنابراین، پیروی از آن جهت برقراری نظم و امنیت حائز اهمیت و نشان‌دهنده‌ی کارآمدی و مشروعیت دولت است. اما قانون‌گرا ساختن شهروندان به تنهایی از عهده‌ی نظام حقوقی بر نمی‌آید؛ زیرا قانون‌گرایی «اشاره به رفتار انسان‌ها دارد و رفتار انسان تا حد زیادی توسط هنجارهای اجتماعی تعیین می‌شود.»^{۱۴} در ایران از یک‌سو، پدیده‌ی قوم‌مداری و وجود خرده‌فرهنگ‌های قومی دارای هنجارهای متفاوت با قانون ملی می‌تواند وحدت فرهنگی را دچار خدشه و زمینه‌ی تأخر میان فرهنگ و قانون را فراهم سازد و از سوی دیگر، حفظ یکپارچگی ملی، اقتدار و حاکمیت سیاسی، ممانعت از قانون‌شکنی و خروج از حوزه‌ی حاکمیت سیاسی و ملی مبنای اصلی تصمیمات سیاسی در کشور است.^{۱۵} در نتیجه‌ی این عدم انسجام، قانون‌گرایی با چالشی جدی مواجه و میان فرهنگ جاری در میان تمام یا بخشی از اعضای جامعه و قانون تقابل ایجاد می‌شود. این تقابل، زمانی آشکار می‌گردد که هر یک از اعضای این خرده‌فرهنگ‌ها از ماهیت رفتارهایی که موضوع جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند، ادراک‌ها و برداشت‌های متفاوتی ارائه دهند. برخی از گروه‌های قومی و فرهنگی، ممکن است رفتارهایی را مجاز بدانند که در قانون جرم‌انگاری شده‌اند و این موضوع، چه بسا موجب کاهش پذیرش اجتماعی رفتارهای مورد جرم‌انگاری و قبح قانون‌شکنی در گستره‌ی جغرافیای فرهنگی خاصی شود. به عنوان نمونه، حمل و بکارگیری سلاح غیرمجاز در استان‌های جنوبی، غربی و جنوب غربی و قاچاق سوخت در این مناطق از جمله رفتارهای مجرمانه‌ای هستند که جواز ارتکاب آن‌ها به هنجارهای فرهنگی نسبت داده می‌شود.

ملاک تأخر فرهنگی، دامنه‌ی پذیرش اجتماعی یک رفتار است. اگر انجام رفتاری با توجه به فرهنگ جاری در یک محیط جغرافیایی خاص مجاز باشد، اما مورد پذیرش اکثریت اعضای جامعه قرار نگیرد و خسارات و هزینه‌های جبران‌ناپذیری را بر پیکره‌ی نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور وارد کند، جرم‌انگاری آن رفتار مورد پذیرش جامعه بوده و فرهنگ نسبت به قانون دچار تأخر

9. Civil Rights Act

10. Albrocracy

۱۱. همان، ۴۳۱.

12. Edward I

۱۳. همان.

۱۴. شهاب‌الدین موسوی‌زاده مرکبیه، «تنش و تضاد قانون‌گرایی و فرهنگ در عصر جهانی شدن»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱، ۲۱

(۱۳۹۶)، ۱۵۲.

۱۵. یونس نوربخش، «فرهنگ و قومیت؛ مدلی برای ارتباطات فرهنگی در ایران»، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، ۱، ۴ (۱۳۸۷)، ۶۸.

است. بالعکس، «اگر رفتاری دارای آنچنان عمومیتی باشد که نتوان آن را مختص به یک شهر یا فرهنگ دانست»، جرم‌انگاری آن رفتار محکوم به شکست است^{۱۶} و در این صورت، قانون نسبت به فرهنگ تأخر دارد. در واقع، جرم‌انگاری رفتارها کمتر موضوع نگرانی‌های خودجوش عمومی قرار می‌گیرد.

پرسش پژوهش حاضر این است که وضعیت تعامل میان فرهنگ حاکم بر تمام یا گروهی از اعضای جامعه‌ی ایران با رفتارهای مورد جرم‌انگاری در قانون چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا مصادیق رفتارهای مجرمانه‌ی مورد نظر خود را از مجموعه‌ی قوانین کیفری استخراج کردیم.^{۱۷} سپس، با مطالعه‌ی نظریه‌های فرهنگی مختلف و انطباق هر یک از آن‌ها با این مصادیق نظریه‌ی تأخر فرهنگی را برگزیدیم. با این حال، برخی از مصادیقی که از چشم‌انداز این نظریه مورد بحث قرار گرفته‌اند، ممکن است طبق نظریه‌ی فرهنگی دیگری نیز قابلیت تحلیل داشته باشند. بر این اساس، مدعی نیستیم که تنها نظریه‌ی تأخر فرهنگی است که به کار تحلیل موضوع برهم‌کنش جرم‌انگاری و فرهنگ می‌آید. دلیل دیگری که ما را به گزینش این نظریه رهنمون شد، تازگی آن در تحلیل مباحث مربوط به جرم‌انگاری در نوشته‌های حقوقی داخلی است.

پی‌جویی در منابع فارسی نشان می‌دهد که تاکنون کتاب و مقاله‌ای که به طور ویژه راجع به تعامل میان جرم‌انگاری و فرهنگ از دریچه‌ی نظریه‌ی تأخر فرهنگی در نظام حقوقی ایران باشد، نوشته نشده است. اما آثار مرتبطی وجود دارند که ذکر چند نمونه از آن‌ها به مثابه مؤیدی برای وجود نوآوری در مقاله‌ی حاضر ضرورت دارد. موضوعات محوری کتاب «جرم‌انگاری در حوزه‌ی فرهنگ»^{۱۸}، بررسی مصادیق رفتارهای فرهنگی جرم‌انگاری شده و نقد آن‌ها، تحلیل گفتمان نمایندگان مجلس راجع به این جرم‌انگاری‌ها و در نهایت، عدم امکان توجیه فلسفی این جرم‌انگاری‌هاست. اما موضوع این مقاله، توجیه فلسفی جرم‌انگاری و یا تحلیل گفتمان در این باره نیست، بلکه با رویکردی فرهنگی و جامعه‌شناسانه درصدد است تا در یک دسته‌بندی مشخص، به تأثیر و تأثر متقابل برخی از جرم‌انگاری‌ها با فرهنگ غالب جامعه و خرده‌فرهنگ از حیث آهنگ تحول آن‌ها بپردازد. مقاله‌ی «دفاع فرهنگی در نظام عدالت کیفری ایران و آمریکا»^{۱۹} راجع به دفاع فرهنگی یعنی استناد به هنجارهای فرهنگی از سوی متهم در مرحله‌ی صدور حکم است و ضمن آن به جریان‌های سیاسی و اجتماعی معاصر پیرامون پذیرش یا رد این نوع دفاع اشاره می‌شود. از آنجا که محتوای این مقاله با مقاله‌ی «قابلیت استناد به هنجارهای فرهنگی در مرحله‌ی تعیین کیفر؛ مطالعه‌ی تطبیقی در نظام قضایی ایران، آلمان و آمریکا»^{۲۰} یکسان است و نگارندگان به نتایج تقریباً مشابهی دست می‌یابند، در تفاوت این مقاله‌ها با مقاله‌ی حاضر باید گفت که آن‌ها به مسأله‌ی تأخر فرهنگی و جرم‌انگاری و رابطه‌ی متقابل میان آن‌ها نمی‌پردازند. نگارندگان هر دو مقاله به این نتیجه می‌رسند که در نظام قضایی ایران، استناد به هنجارهای فرهنگی در مرحله‌ی صدور حکم جایگاهی ندارد و قضات حتی با علم به تأثیر عوامل فرهنگی دخیل در ارتکاب جرم، وقعی به این عوامل از حیث اعمال تخفیف در مجازات یا معافیت از آن نمی‌نهند. این نتایج اساساً

۱۶. حمیدرضا دانش‌ناری و زهرا دانش‌ناری، «فرایند سیاستگذاری فرهنگی در نظام جرم‌انگاری ایران»، مجلس و راهبرد، ۲۸، ۱۰۸ (۱۴۰۰)، ۹۴.

۱۷. جرایم مورد بررسی همگی از نوع تعزیری بوده‌اند؛ چرا که تأخر فرهنگی ماهیتاً نظریه‌ای راجع به تغییر و تحول عناصر فرهنگی است و در پیوند آن با بحث جرم‌انگاری، این ویژگی باید همچنان مورد توجه قرار گیرد. در حالی که جرایم مستوجب حدود و قصاص، ثابت بوده و از سایر عناصر فرهنگی همچون هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تأثیر نمی‌پذیرند.

۱۸. امیرحمزه زینالی، جرم‌انگاری در حوزه‌ی فرهنگ (تهران: مجد، ۱۳۹۴).

۱۹. مهدی هوشیار «دفاع فرهنگی در نظام عدالت کیفری ایران و آمریکا»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۷، ۲ (۱۳۹۵)، ۲۷۳-۲۹۸.

۲۰. حمیدرضا دانش‌ناری و حسین حسینی، «قابلیت استناد به هنجارهای فرهنگی در مرحله‌ی تعیین کیفر؛ مطالعه تطبیقی در نظام قضایی ایران، آلمان و آمریکا»، حقوق تطبیقی، ۷، ۲ (۱۳۹۵)، ۵۴۹-۵۳۳.

ارتباطی با موضوع مقاله‌ی ما ندارد. در مقاله‌ی «فرایند سیاستگذاری فرهنگی در نظام جرم‌انگاری ایران^{۲۱}» نگارندگان از توسل به حقوق کیفری جهت به رسمیت شناخته شدن سیاست‌های فرهنگی از سوی قانونگذار با ذکر مصادیقی از انواع جرم‌انگاری‌ها انتقاد می‌کنند. همچنین، همانند مقاله‌های فوق، به مسأله‌ی حقوق فرهنگی اقلیت‌ها می‌پردازند و در نهایت، نتیجه می‌گیرند که دلیل کم‌توجهی به فرهنگ در سیاستگذاری جنایی تقنینی ایران وجود نگرش‌های پدرسالارانه و تسلط رویکرد محافظه‌کارانه است. در این مقاله نیز به نظریه‌ی تأخر فرهنگی و هیچ نظریه‌ی دیگری اشاره نمی‌شود.

مقاله‌ی حاضر به لحاظ هدف، توصیفی است و اطلاعات با استفاده از کتاب‌ها و مقالات به زبان فارسی و انگلیسی گردآوری شده‌اند. همچنین، از نوع بنیادی نظری بوده و در جهت توسعه‌ی ادبیات نظری پیرامون وضعیت تأخر متقابل فرهنگ و جرم‌انگاری در قوانین کیفری ایران گام برمی‌دارد. گفتیم که اصولاً وضعیت حاکم میان اجزای مختلف یک فرهنگ، همگرایی است. در بحث ما عناصری که دچار تأخر نسبت به یکدیگر هستند، دائرمدار قانون کیفری، فرهنگ غالب یا حاکم و خرده‌فرهنگ می‌باشند. مصداق‌یابی‌های قانونی نشان می‌دهند تأخری که نسبت به جرم‌انگاری وجود دارد، غالباً ناظر به عنصر خرده‌فرهنگ است. حال آنکه این جرم‌انگاری است که نسبت به فرهنگ غالب تأخر دارد. حالات دیگر مانند تأخر فرهنگ غالب نسبت به جرم‌انگاری یا جرم‌انگاری نسبت به خرده‌فرهنگ نیز ممکن است متصور باشند، اما در حال حاضر مصداقی برای آن در نظام جرم‌انگاری و جامعه‌ی ما به گونه‌ای که ارزش بحث داشته باشد، یافت نشد. به این ترتیب، بحث خود را منحصر به همین وضعیت دوگانه‌ی تأخر خواهیم کرد.

۱- تأخر خرده‌فرهنگ نسبت به جرم‌انگاری

ارزش‌های تحت حمایت قانون کیفری ثابت نیستند. جامعه به مثابه عنصری زنده و پویا از تحولات مختلف در هر دوره تأثیر می‌پذیرد و به بازاندیشی در ارزش‌های خود می‌پردازد. چنانکه گاه ارزش‌های جدیدی را می‌آفریند یا از ارزش‌های موجود گذر می‌کند. اگر اعضای یک خرده‌فرهنگ کارمایه‌ی اخلاقی لازم برای حمایت از ارزش‌های مورد تأکید قانون را از دست بدهند، احتمال زیادی وجود دارد که مرتکب رفتارهای مجرمانه شوند، بدون آنکه اعتقادی به جرم بودن آن‌ها داشته باشند. اما در این موارد، همیشه هنجارهای مجرمانه‌ی خرده‌فرهنگی سزاوار احترام نیستند و قانون‌گذار نباید از آن‌ها جرم‌زدایی نماید؛ چه آنکه برخی از رفتارهای پذیرفته‌شده در این خرده‌فرهنگ‌ها مورد پذیرش فرهنگ غالب نیستند و همچنین، ارتکاب فزاینده‌ی آن‌ها می‌تواند کلیت نظام اجتماعی را با بحران‌هایی مواجه سازد. وظیفه‌ی قانون‌گذار، محافظت از این نظام در برابر آن رفتارها و حمایت از جان و مال شهروندان است. دو نمونه از این موارد، خرده‌فرهنگ نگهداری، حمل و استفاده از سلاح و قاچاق سوخت می‌باشد.

۱-۱- **جرم‌انگاری خرده‌فرهنگ اسلحه:** استفاده‌ی آزاد از سلاح، حقی شناخته می‌شود که مورد پذیرش تمامی کشورها واقع نشده است. به عنوان نمونه، در ایالات متحده‌ی آمریکا «رخدادهای اجتماعی، سیاسی و حقوقی بستر مناسبی برای رشد آن {استفاده‌ی آزاد از سلاح} فراهم کردند. تحولاتی که هیچ‌گاه در سرزمین ایران رخ نداد.»^{۲۲} به همین دلیل، طی دوره‌های مختلف قانون‌گذاری در پیش و پس از انقلاب، داشتن، خرید و فروش یا حمل و اسفاده از سلاح گرم و سرد جرم‌انگاری شده است. قانونگذار در ماده‌ی ۶ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰ خرید و فروش، نگهداری یا حمل سلاح را جرم‌انگاری کرده و حتی اخیراً با تصویب طرح «اصلاح قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و

۲۱. حمیدرضا دانش‌ناری و زهرا دانش‌ناری، «فرایند سیاستگذاری فرهنگی در نظام جرم‌انگاری ایران»، مجلس و راهبرد، ۲۸، ۱۰۸ (۱۴۰۰)، ۹۸-۶۷.

۲۲. رسول عابد و غلامحسین الهام، «شکل‌گیری حق داشتن سلاح و تأثیر آن بر حقوق کیفری»، پژوهش حقوق کیفری، ۲، ۷ (۱۳۹۳)، ۹۸.

مهمات غیرمجاز» در اردیبهشت ۱۴۰۳ برخورد شدیدتری را با مرتکبان جرایم مرتبط با سلاح در دستور کار قرار داده است. با این حال، ارتکاب این جرایم در برخی از نواحی قومی کشور مجاز شمرده می‌شود و بخشی از هویت قومی و فرهنگی اعضای آن به‌شمار می‌رود.

تیراندازی در جشن‌های عروسی یا تولد نوزاد، یک جنبه‌ی قوی خردفرهنگ عشیره‌ای و طایفه‌ای ایل بختیاری است^{۲۳} که در بخش‌هایی از استان‌های خوزستان، لرستان، اصفهان و چهارمحال و بختیاری سکونت دارند. گاهی این تیراندازی‌ها موجب جرح و قتل افراد حاضر در صحنه شده‌اند.^{۲۴} این خردفرهنگ در برخی از مناطق کشور چنان در اذهان مردم رسوخ کرده که فرهنگ قانون‌گریزی به همراه ناآگاهی از نتایج عملکرد غیرقانونی، اوضاع بغرنجی را رقم زده است. به عنوان نمونه، گفته می‌شود که در کرمانشاه «ناآگاهی مردم سبب نگهداری سلاح غیرمجاز می‌شود و گاهی مردم از عواقب سخت حمل سلاح غیرمجاز و برخورد قانونی و حقوقی با این جرم اطلاعی ندارند.»^{۲۵}

به موجب برخی پژوهش‌های میدانی، علت عمده‌ی تبدیل شدن استفاده از سلاح به یک شاخص مهم فرهنگی در میان اقوام، نافرمانی مدنی از حکومت، محرومیت و تبعیض، برجسته‌سازی قدرت قبیله، تعصب طایفه‌ای، هویت‌مدار شدن مصرف سلاح، فقدان توانمندسازی آموزشی و فرهنگی و ارزیابی منفی شهروندان از عملکرد نظام حکمرانی محلی است^{۲۶} و هر یک از این موارد، دلیلی موجه بر استمرار مقابله‌ی کیفی با جرایم مرتبط با سلاح غیرمجاز به‌شمار می‌روند. ممکن است میزان گزارش‌دهی این جرایم به دلیل پذیرش ارتکاب آن‌ها از سوی جامعه‌ی فرهنگی به ندرت اتفاق بیفتد و حتی در صورت گزارش‌دهی و تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکب، اهداف مورد انتظار از اجرای مجازات بویژه، بازدارندگی عمومی محقق نشود؛ زیرا برای بازدارنده بودن مجازات جامعه باید ضمن باور به ضد ارزش بودن رفتار مجرمانه، طی یک محاسبه‌ی عقلانی، سود خود را در عدم ارتکاب جرم ببیند. در حالی که «هر چه رفتارهای مجرمانه تأثیرپذیری بیشتری از وضعیت اجتماعی و فرهنگی داشته باشد، ذهن و قوای شناختی آن از عقلانیت به معنای متعارف آن فاصله می‌گیرد.»^{۲۷} اما این ایرادات منحصر به این وضعیت خاص نیست و به طور کلی به بنیان اندیشه‌ی بازدارندگی مجازات‌ها وارد است.

مسأله‌ی مهمی که در رابطه با تأخر فرهنگ نسبت به قانون درباره‌ی جرم‌انگاری مورد بحث وجود دارد، مخالفتی است که برخی از صاحب‌نظران با تکیه بر رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی^{۲۸} اظهار داشته‌اند. استدلال‌شان این است که «جرم‌انگاری... باید مبتنی بر

۲۳. معصومه باقری و دیگران، «واکاوی تعیین‌گرهای اجتماعی و فرهنگی نگهداری و استفاده از سلاح گرم در استان خوزستان»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۲۴، ۴ (۱۴۰۲)، ۳۶.

۲۴. برای دیدن برخی از این نمونه‌ها به تارنمای زیر رجوع کنید:

www.khabaronline.ir/amp/1529226/

۲۵. محمد اسدی فرد و جلال همتی، «شناسایی عوامل و پیامدهای به‌کارگیری سلاح غیر مجاز در استان کرمانشاه»، فصلنامه‌ی علمی پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۱۶، ۲ (۱۴۰۰)، ۸۹.

۲۶. باقری و دیگران، پیشین، ۴۰.

۲۷. علی مهربانی و فرهاد اللوردی، «عقلانیت جنایی»، محدودیت‌ها و چالش‌ها (با تأکید بر جرایم خشونت‌بار)، آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۶، ۱۷ (۱۳۹۸)، ۲۷۲.

۲۸. نظریه‌ی جرم‌شناسی فرهنگی با نظریه‌ی تأخر فرهنگی، دست‌کم از این جهت که موضوع‌شان فرهنگ می‌باشد، ارتباط دارد. اما این دو از لحاظ ماهیت و هدف متفاوتند. جرم‌شناسی فرهنگی، به دنبال ظهور جریان انتقادی در جرم‌شناسی و رشد مطالعات فرهنگی در نظریه‌پردازی و فهم پدیده‌ی جرم بویژه در میان جوانان و بررسی تجربی آن متولد شد. به گفته‌ی فرل، جرم‌شناسی فرهنگی مطالعه‌ی تجربیات روزمره‌ی زندگی، تاریخچه‌های زندگی و بسیاری از جلوه‌های فراغتی و مصرفی زندگی روزمره مانند موسیقی و رقص برای کشف این مسأله است که چگونه و چرا برخی صورت‌های فرهنگی، مجرمانه تلقی

هنجارهای خرده‌فرهنگی و عرف جامعه باشد تا بتواند مقبولیت عمومی را در پی داشته باشد.^{۲۹} ایشان با کلی‌گویی‌ها و استفاده از برخی کلیدواژه‌های رایج فرهنگی مانند ضرورت استناد به هنجارهای فرهنگی، مقبولیت عمومی جرم‌انگاری، احترام به حقوق اقلیت‌های فرهنگی، تکثر فرهنگی و غیره، معتقدند که نگهداری و استفاده از سلاح از سوی اقوام و اقلیت‌های فرهنگی، هرگز نباید جرم و قابل مجازات باشد^{۳۰} که اگر این رویکرد را با نظریه‌ی تأخر فرهنگی تطبیق دهیم، این نتیجه حاصل می‌شود که جرم‌انگاری نسبت به خرده‌فرهنگ دارای تأخر است. در عین حال، ایشان به این پرسش اصلی که پس از جرم‌زدایی از خرده‌فرهنگ اسلحه، با چه ابزاری باید با هرج و مرج صورت‌گرفته در جامعه مقابله شود و قربانیان استفاده از سلاح، چگونه به جبران خسارات خود نائل شوند، پاسخی نمی‌دهند.^{۳۱} به باور ما، این دیدگاه بنا به دلایلی قابل انتقاد است. هدف از مطالبی که در ادامه بیان می‌شود، هم نقد دیدگاه موصوف و هم ارائه‌ی استدلال‌هایی در راستای ضرورت استمرار جرم‌انگاری خرده‌فرهنگ اسلحه است.

داشتن سلاح در منزل همراه با روحیه‌ی قهرمانی و سلحشوری نهادینه‌شده در میان اقوام و وجود بسترهای فرهنگی فعال در میان آن‌ها به خودی خود محرک قوی ارتکاب جرم است. در این شرایط، افراد احتمالاً پشت خود را به سلاح، گرم می‌بینند و برای

می‌شوند (Ferrell, 1999: 395). در پاسخ به این پرسش‌ها، بر ساخت رسانه‌ای جرم، اهمیت بالایی دارد. طبق این رویکرد، جرم، آن گونه که می‌گویند، واقعیت خارجی ندارد، بلکه روزنامه‌ها به دلیل پرداختن افراطی و غیرمنطقی به برخی از مسائل و اغراق و بزرگنمایی رفتارهای مجرمانه‌ی برخی از گروه‌های جامعه مانند جوانان باعث می‌شوند جامعه نسبت به آن‌ها، حساسیت شدیدی پیدا کند. در واکنش به رفع یا کاهش این حساسیت‌ها، دولت اقدام به برخورد‌های قهرآمیز، سرکوب‌کننده و وضع قوانین یا اجرای مجازات‌های سخت‌گیرانه می‌کند. در تلویزیون، به عنوان فراگیرترین و در دسترس‌ترین رسانه، با ساخت و پخش مستندهایی که در آن‌ها فرهنگ جوانی که معمولاً دلالت بر ارتکاب رفتارهای فاصله‌گیر از هنجارهای معمول جامعه دارد، انحرافی، خطرناک و متصف به عناوین و القابی چون اوباش‌گری و شیطان‌پرستی نشان داده می‌شود، جرم ساخته می‌شود. مسأله‌ی «جرم به مثابه فرهنگ» و «فرهنگ به مثابه جرم» که فرل در مقاله‌ی «جرم‌شناسی فرهنگی» (1999) مطرح کرده، بیانگر رابطه‌ی پیچیده بین جرم و زمینه‌ی فرهنگی که جرم در آن رخ می‌دهد، است. در پرتو این دو اصطلاح، از این موضوع بحث به عمل می‌آید که جرم صرفاً نتیجه انتخاب‌های فردی یا عوامل ساختاری نیست، بلکه عمیقاً تحت تأثیر ارزش‌ها، باورها و بینش‌های فرهنگی قرار دارد. با بررسی ابعاد فرهنگی جرم، بینشی در مورد چگونگی شکل‌دهی هنجارهای اجتماعی، معانی نمادین و شیوه‌های فرهنگی به رفتار مجرمانه، واکنش‌های اجتماعی و ساخت انحراف به دست می‌آوریم. اما در هسته‌ی مباحث راجع به تأخر فرهنگی و جرم‌انگاری، جرم‌شناسی و علت‌شناسی جرم حائز جایگاهی نیستند و به آن‌ها تنها به عنوان یک مسأله‌ی فرعی و پیرامونی نگریسته می‌شود. نظریه‌ی تأخر فرهنگی در دورن رشته‌ی جامعه‌شناسی فرهنگی می‌گنجد؛ رشته‌ای که به جنبه‌ی جامعه‌شناسانه‌ی فرهنگ و ساخت اجتماعی هنجارها، ارزش‌ها و باورها می‌پردازد. تأخر فرهنگی با رویکرد عنصرمحور به قانون کیفری، جرم‌انگاری، فرهنگ غالب و خرده‌فرهنگ، آهنگ حرکت این عناصر، تحول و پویایی و ناسازگاری علی‌الادعا در میان آن‌ها را تحلیل می‌کند و کاری با مجرم و عوامل فردی یا جمعی بزهکاری ندارد، بلکه تأکیدش بر عاملان جرم‌انگاری رفتارها یعنی قانون‌گذاران و سیاست‌سازان فرهنگی است. به همین دلیل، نقش مباحث راجع به حقوق عمومی، قانون‌گذاری و کیفیت عملکرد فرهنگی دولت در این زمینه پررنگ است.

۲۹. مهرداد رایجیان اصلی، اسماعیل رحیمی نژاد و رضا رزم‌آور بناب، «سیاست‌گذاری جنایی تقنینی در آینده‌ی جرم‌شناسی فرهنگی: با رویکردی انتقادی به نمونه‌هایی از چالش‌های آن در ایران»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۱، ۲۱ (۱۴۰۲)، ۲۹۱-۳۰۰. همان، ۲۷۰، ۲۸۳، ۲۹۱ و ۲۹۲.

۳۱. در اینجا باید نکته‌ای را در مورد نقد دیدگاهی که قائل به جرم‌زدایی از خرده‌فرهنگ اسلحه است، بیان کرد. به نظر نمی‌رسد جرم‌زدایی و توسل صرف به اقدامات غیرکیفری در مقابله با خرده‌فرهنگ سلاح نتیجه‌بخش باشد. درست است که معضل فرهنگی، پاسخ فرهنگی می‌طلبد، اما باید واقع‌بین بود و به میزان ثبات و دیرپایی یک هنجار در بافت خرده‌فرهنگی و ظرفیت واقعی دولت برای انجام اقدامات فرهنگی به منظور تعدیل خرده‌فرهنگ نیز توجه کرد. افزون بر این، اعتقاد به استمرار جرم‌انگاری استفاده از سلاح، منافاتی با انجام اقدامات فرهنگی و کنترل‌های غیرکیفری ندارد. این دو راهبرد، در عرض یکدیگرند. بر این اساس، ما ضمن دفاع از جرم‌انگاری موصوف، مدعی نیستیم که جرم‌انگاری تنها یا بهترین سازگار کنترلی است.

کوچک‌ترین مشکل خود با افراد دیگر گلوله‌ای را نثار آن‌ها می‌کنند. اگر نگهداری، حمل و استفاده از سلاح جرم نباشد، باید منتظر بمانیم تا دارنده‌ی سلاح با آن مرتکب جرح یا قتل شود و سپس، او را برای همین اتهامات به دادگاه فرا بخوانیم. از آنجا که خود عمل در این فرض جرم نیست، اتهام شروع به جرم نیز منتفی خواهد بود. این رویکرد، یک سوبه‌نگر است و صرفاً از زاویه‌ی دید مجرم به قضیه می‌نگرد و جرم‌انگاری رفتارهای وی را بی‌احترامی به حقوق اقلیت‌های فرهنگی تلقی می‌کند. با این حال، مشخص نیست که برخورد کیفری با رفتارهای کاملاً خطرناک، چه ارتباطی با حقوق اقلیت‌ها دارد و اساساً مگر ارتکاب جرم یکی از حق‌های بشری شناخته می‌شود که مقابله با مرتکب جرم خلاف حقوق او باشد؟ اگر از زاویه‌ی دید قربانیان این جرایم به قضیه بنگریم، جنس تحلیل‌ها متفاوت و متناقض خواهند شد. در آن صورت، دست‌کم یکی از رایج‌ترین پیشنهادها این خواهد بود که باید از قربانیان خاص این نوع هنجارهای فرهنگی حمایت کیفری به عمل آید و این در واقع، به معنای جرم‌انگاری آن هنجارها خواهد بود.^{۳۲} ظاهراً دلیل توجیه‌کننده‌ی استفاده از تفنگ در میان مثلاً قوم لر، امروزه وجود ندارد و ضرورت تبدیل شدن سلاح به هویت فرهنگی این قوم، موضوعیت خود را از دست داده است؛ زیرا در گذشته از تفنگ که از وسایل ضروری مردان این قوم بود، برای دفاع از طایفه، وطن، شکار، دفاع از خود در برابر حیوانات وحشی استفاده می‌شد.^{۳۳} اما در عصر حاضر، حفاظت از مرزها به عهده‌ی نیروهای خبره‌ی نظامی است و دادگستری نوین شکل گرفته تا اهالی طایفه بتوانند برای دادخواهی به آنجا رجوع کنند.

گاه، برخی از اعضای این خرده‌فرهنگ‌ها از فرهنگ استفاده از سلاح به ستوه آمده‌اند و فعالیت‌های اجتماعی و مدنی آن‌ها برای زدودن این فرهنگ از صحنه‌ی اجتماع‌شان نیز تاکنون نتیجه‌بخش نبوده است. یکی از فعالان فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری که در یک شب عروسی همزمان به خاطر تیراندازی، خواهر، خواهرزاده‌ی دو ساله و دامادش را از دست داد، می‌گوید: «بارها از سوی سران طوایف و ایلات، طومارهای «لعنت خدا» برای دست کشیدن از این رسم غلط امضا شده است؛ اما هنوز هستند عده‌ای که رویه‌ی غلط گذشته را ادامه می‌دهند»^{۳۴} و همه‌ی این‌ها تازه، زمانی است که این رفتارها قانوناً جرم محسوب می‌شوند.

ایراد دیگر این رویکرد، توسل به قیاس مع الفارق است؛ به این صورت که فرهنگ اسلحه با پدیده‌ی فرهنگی کولبری مورد مقایسه قرار گرفته و از این قیاس، شباهت این دو رفتار و جواز ارتکاب آن‌ها نتیجه‌گیری شده است.^{۳۵} در حالی که این شباهت‌ها نامعلوم و غیرقطعی بوده، نیازمند بررسی و دقت نظر بیشتر است. دلایل ظهور خرده‌فرهنگ کولبری، فقر و بیکاری و سیاست‌های نادرست اقتصادی و تبعیض‌آمیزی است که کولبر بی‌نوا را وادار به ارتکاب قاچاق جزئی کالا کرده است، اما دلیل استفاده از سلاح و ارتکاب جنایت در میان اقوام در جشن‌های عروسی و تولد و عزاداری‌ها از همان جنس کولبری نیست. آن‌انکه سلاح به دست می‌گیرند، چه بسا با اصرار غیرمنطقی در پی احیای فرهنگی هستند که سال‌هاست فلسفه‌ی وجودی‌اش را از دست داده است. همچنین، جامعه با نوعی احساس ترحم و همدردی با کولبران مواجه می‌شود و آن‌ها را نه مجرم، بلکه بیشتر قربانی شرایط اقتصادی می‌داند. افزون بر توجه برخی به همین نکته،^{۳۶} مقنن در آخرین اراده‌ی خود، متوجه تفاوت میان پدیده‌های کولبری و استفاده از سلاح شده و بر خلاف

۳۲. مهرداد رایجیان اصلی، «بزه‌دیدگان؛ حقوق و حمایت‌های بایسته»، پژوهش حقوق عمومی، ۸، ۱۹ (۱۳۸۵)، ۱۳۲.

۳۳. زهرا خاکباز و حسن ذوالفقاری، «هیولۀ: عروسی خوانی لری (تحلیل محتوا و ساختار یک عروسی خوانی)»، ادب فارسی، ۱۲، ۱ (۱۴۰۱)، ۱۹۸.

۳۴. «آسیب‌شناسی تیراندازی در مجالس عزا و عروسی»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۶/۰۷/۱۴۰۲، <https://www.irna.ir/news/85247461>

۳۵. رایجیان اصلی، رحیمی نژاد و رزم‌آور بناب، پیشین، ۲۹۲.

۳۶. دانش‌ناری و دانش‌ناری، پیشین، ۸۱.

مورد دوم، از رفتار کولبران به استناد ماده‌ی ۱ قانون ساماندهی و نظارت بر تجارت مرزی (کولبری و ملوانی) و ایجاد اشتغال پایدار مرزنشینان مصوب ۱۴۰۳/۰۱/۱۸ جرم‌زدایی نموده است.

طبق آموزه‌های جرم‌شناسی فرهنگی، جرم‌انگاری عناصر خردفرهنگی غالباً به دلیل خصلت فردی و پدرسالارانه‌شان مورد انتقاد هستند.^{۳۷} جرم‌انگاری مواردی همچون نوع اصلاح موی سر، موسیقی، رقص، استفاده از ماهواره، روابط جنسی آزاد، پارتی و هم‌نشینی‌های کنترل‌نشده‌ی جوانان غیرهمجنس، مصرف مواد مخدر، مسأله‌ی حجاب و مُدگرایی‌های افراطی و سبک‌های زندگی جایگزین و غیراخلاقی،^{۳۸} از این حیث مورد انتقاد جرم‌شناسان قرار گرفته است که به حق حریم خصوصی افراد و آزادی عمل آن‌ها احترام نمی‌گذارد و آن‌ها را نقض می‌کند. اما مبنای جرم‌انگاری در مورد سلاح، ایراد ضرر به تمامیت جسمانی و کشتار انسان‌های بی‌گناه است که ریشه در اصل ضرر دارد و استفاده از توجیهات مورد نظر جرم‌شناسان فرهنگی که غالباً برای انتقاد از جرم‌انگاری‌های پدرسالارانه ارائه شده است، برای رد و نفی جرم‌انگاری‌های مبتنی بر اصل ضرر محل تامل جدی است.

ایرادات پیش‌گفته، فقدان یک مبنای منسجم در طرح مباحث فرهنگی و سطحی و شناور بودن تجزیه و تحلیل‌های مورد نقد را نشان می‌دهد. در بحث جرم‌انگاری، باید میزان پذیرش اجتماعی رفتار ملاک عمل قرار گیرد و اجتماع در اینجا تنها محدود به منطقه یا استان محل وقوع جرم نیست؛ چرا که این رفتارها با عدم واکنش رسمی مناسب به‌تدریج فراگیر شده و ممکن است تبدیل به الگوی شاخص رفتاری مردم استان‌های همجوار و چه بسا کل کشور شوند. ملاحظات چالش‌برانگیزی از این دست باعث شده که عده‌ای به‌درستی، بحث استناد به هنجارهای فرهنگی را آن‌هم در برخی جرایم خرد، معطوف به مرحله‌ی تعیین کیفر و نه قانون‌گذاری بدانند.^{۳۹}

از دیدگاه نظریه‌ی تأخر فرهنگی، قانون در موضوع حاضر کاملاً پیشرو عمل کرده و به جرم‌انگاری رفتارهایی پرداخته است که هر چند بخشی از هویت فرهنگی گروهی از مردم ایران را تشکیل می‌دهند، اما نشانه‌ی واپس‌ماندگی فرهنگی و پابندی غیرعقلانی به سنت غلط گذشته می‌باشند. خردفرهنگی که حیات انسان‌های بی‌گناه را نشانه گرفته، عروسی‌ها را به عزا و یک عزا را به عزاداری‌های مضاعف تبدیل کرده، عامل آشوب و بی‌نظمی و ارباب‌عمومی شده و ضابطان و مقامات قضایی را درگیر خود ساخته است. در یک کلام، چنین خردفرهنگی نسبت به قانون کیفری و جرم‌انگاری نگرهداری، حمل و استفاده از سلاح، دچار تأخر است. چنین تأخری در رابطه با پدیده‌ی خردفرهنگی قاچاق سوخت نیز مشهود است.

۱-۲- جرم‌انگاری خردفرهنگی قاچاق سوخت: قاچاق سوخت^{۴۰} دارای پشتوانه‌ی فرهنگی عمیقی است. از یک سو، این قاچاق موجب تضعیف فرهنگ کار سالم در جامعه می‌شود. «اگر ثروت قاچاق سوخت به راحتی و در سطح زیاد به دست آید روحیه‌ی

۳۷. فرهاد الله‌وردی و محمد فرجیها، «جرم‌انگاری رسانه‌ای: رمزگذاری و رمزگشایی مستند شوک»، مجله جهانی رسانه، ۹، ۱ (۱۳۹۳)، ۶.

۳۸. محمد زکایی، «جرم‌شناسی فرهنگی و مسأله‌ی جوانان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۳، ۱ (۱۳۹۱)، ۶۷.

۳۹. حمیدرضا دانش‌ناری و حسین حسینی، پیشین.

۴۰. اگر چه قاچاق سوخت به طور خاص مورد جرم‌انگاری قرار نگرفته است، اما با نگاهی به قوانین موضوعه می‌توان دریافت که بسترهای قانونی لازم برای مقابله با این پدیده وجود دارد. قاچاق سوخت با توجه به ماده‌ی ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ جرم است. طبق بند ب ماده‌ی ۱ این قانون، کالا هر شیء دارای ارزش اقتصادی است و به موجب بند الف، ورود و خروج غیر قانونی کالا، قاچاق محسوب می‌شود. بند ج ماده‌ی ۶ این قانون، به منظور پیشگیری از قاچاق سوخت، وزارت راه و شهرسازی را موظف «به تجهیز شناورها و وسایل حمل‌ونقل جاده‌ای کالا به سامانه‌ی فنی ردیاب و کنترل مصرف سوخت بر مبنای مسافت طی شده» کرده است. ماده‌ی ۱ قانون توسعه‌ی حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت مصوب ۱۳۸۶، وظایفی را برای دولت در راستای مدیریت بهینه‌سازی مصرف سوخت مقرر داشته است. ماده‌ی ۱۰۱ آیین‌نامه‌ی رسیدگی به تخلفات توزیع و فروش فرآورده‌های نفتی و

کار و فرهنگ تلاش در جامعه سست شده و برخی به جای کسب درآمد از راه‌های شرافتمندانه به قاچاق روی می‌آورند تا بتوانند در مدت کوتاهی ثروت زیادی به دست آورند.^{۴۱}» از سوی دیگر، بیکاری یا نداشتن کارِ مزدی، محرومیت و فقر گسترده در استان‌های مرزی کشور موجب ایجاد خرده‌فرهنگ قاچاق سوخت و فرآورده‌های نفتی شده است. بر اساس نتایج یک پیمایش، «مردم شهرستان میناب پدیده‌ی قاچاق سوخت را امری عادی می‌پندارند و در زمان بحران و بیکاری آن را فرصتی برای کسب درآمد می‌دانند و این کار برای‌شان به صورت فعالیت اقتصادی و مقبول است و آن را جرم یا تخلف تلقی نمی‌کنند. درحقیقت، آن‌ها به نوعی، درآمد حاصل از فعالیت قاچاق مواد سوختی را حق خودشان می‌دانند که آن را با زحمت کسب می‌کنند.^{۴۲}» همچنین، فرهنگ‌پذیری غلط مرزنشینان، حاکمیت فرهنگ دلالی در منطقه^{۴۳} و فرصت‌های نابرابر در دستیابی به اهداف فرهنگی راه را برای توسل به ابزارهای نامشروع کسب درآمد فراهم ساخته‌اند.^{۴۴}

برخی از علمای اهل سنت استان سیستان و بلوچستان اعتقاد به غیرشرعی بودن و تحریم قاچاق مواد مخدر برخلاف قاچاق سوخت دارند. همین مسأله باعث شده است که بخش عمده‌ای از دست‌اندرکاران سنی‌مذهب قاچاق مواد مخدر که برای فتاوی این علما ارزش بالایی قائلند، دست از حمل و فروش مواد مخدر بردارند و به قاچاق سوخت روی بیاورند.^{۴۵} این‌گونه فتاوا می‌توانند فرهنگ‌ساز باشند. بویژه اینکه مردم سیستان و بلوچستان عمدتاً حنفی‌مذهب هستند. تبعیت و تقلید از علما و دادن نقش محوری به آن‌ها نزد احناف از بقیه‌ی مذاهب اهل سنت پررنگ‌تر است و سرپیچی از آن، ضمانت اجراهای شدیدی در این مذهب دارد.^{۴۶} کارمایه‌های فرهنگی محرک قاچاق سوخت، قوانین فعلی کشور را در پیشگیری حداکثری از این جرم ناکام گذاشته‌اند. مرتکبان واقعی و پنهان قاچاق سوخت از فقر فزاینده‌ی مردم مرزنشین که عامل دوام فرهنگ قاچاق است، بهره‌برداری و در ازای دادن مبلغی ناچیز به آن‌ها اهداف مدنظر خود را دنبال می‌کنند. یکی از اصلی‌ترین سوخت‌بران در استان سیستان و بلوچستان، بدوکی‌ها^{۴۷} هستند که غالباً به صورت اجیرشده کار می‌کنند و وظیفه‌ی حمل سوخت‌های قاچاق متعلق به سرمایه‌داران بزرگ را برعهده دارند؛ یعنی عبور

سی‌ان‌جی مصوب ۱۳۹۷، به تخلف‌انگاری خرید و یا به فروش رساندن فرآورده‌های نفتی توسط مجاری عرضه برخلاف مقررات عمومی از قبیل عرضه‌ی غیرمجاز فرآورده در ظروف، انتقال به باک اضافه‌ی وسائط نقلیه، انتقال به مخزن دیگر و غیره پرداخت که همه‌ی این رفتارها در میان قاچاقچیان سوخت و سوخت‌بران شایع است. ماده‌ی ۱۱ آیین‌نامه‌ی اجرایی مواد (۵) و (۶) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۸، به منظور جلوگیری از قاچاق سوخت، وزارت راه و شهرسازی را موظف به تهیه و ایجاد «سامانه‌ی جامع حمل و نقل» نموده است تا از این طریق تمامی مبادی ورودی و خروجی رسمی و مسیرهای حمل و نقل پوشش داده شود و حسب مورد اطلاعات مورد نیاز حمل و نقل به‌صورت سامانه‌ای و برخط دریافت گردد.

۴۱. فتح اله تاری سعید غلامی باغی، «تأثیر متقابل فرهنگ و قاچاق کالا»، ماهنامه‌ی مهندسی فرهنگی، ۴، ۴۱ و ۴۲ (۱۳۸۹)، ۵۸.
۴۲. مصطفی ظهیری نیا و دیگران، «تحلیلی کیفی پیامدهای اجتماعی اقتصادی قاچاق سوخت در شهرستان میناب»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۶، ۴ (۱۳۹۶)، ۲۷.
۴۳. رضا احمدی کهنعلی، رضا عامری سیاهویی و شقایق مشایخی نژاد، «بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر قاچاق سوخت استان هرمزگان با تکنیک تجزیه و تحلیل شکست فازی و راهکارهای پیشگیری از آن»، پژوهشنامه‌ی فرهنگی هرمزگان، ۱۶ (۱۳۹۷)، ۲۹.
۴۴. مصطفی ازکیا و یوسف راهنما، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر قاچاق سوخت: مطالعه موردی: باغ شایگان مهاباد»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، ۲، ۲ (۱۳۸۷)، ۴۱.

۴۵. ناصر سپاهی «ارزیابی سیاست جنایی ایران در کنترل قاچاق سوخت، نمونه‌پژوهی سیستان و بلوچستان»، (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۹).

۴۶. عبدالرحمن نجفی عمران و عباس الهی، «واکاوی نافرمانی از حاکم در منظومه فکری اهل سنت»، فقه حکومتی، ۶، ۱۱ (۱۴۰۰)، ۴۳.
۴۷. بدوکی یک واژه‌ی بلوچی بوده و به معنای کسی است که باری را بر دوش حمل می‌نماید. این گروه، یکی از محروم‌ترین و فقیرترین افراد و به عبارتی، استثمارشوندگان در فرایند قاچاق سوخت محسوب می‌شوند.

دادن گالن‌های حاوی سوخت از نقاط صعب‌العبور کوهستانی و نیز از محل‌هایی که امکان عبور وانت قاجاق به علت کمین یا تأمین نیروهای انتظامی و نظامی مشکل است و سرانجام، رساندن کالاها به شهر.^{۴۸} «تأمین‌کننده‌ی اصلی سوخت بدوکی‌ها، رانندگان کامیون‌ها و اتومبیل‌های سبک هستند که پس از سوخت‌گیری در پمپ بنزین، اقدام به تخلیه و فروش آن می‌نمایند.»^{۴۹}

در چنین شرایطی، پیش‌بینی شدیدترین مجازات‌ها در قانون نیز باعث نمی‌شود که این سوخت‌بران از ارتکاب جرم و در واقع، پذیرش فرهنگ قاجاق و عمل به آموزه‌های این فرهنگ دست بردارند و به نظر نمی‌رسد با تداوم وضعیت جاری، تأخر میان این خرده‌فرهنگ و آنچه قوانین حکم می‌کنند، کاهش یابد.

۲- تأخر جرم‌انگاری نسبت به فرهنگ

در جوامع بزرگ و پیچیده با سطوح بالای تخصص یک سامانه‌ی کنترل متمرکز در سازمان‌های دولتی وجود دارد. حکومت، قوانینی را برای حفظ و تداوم وحدت و انسجام اجتماعی وضع و اجرا می‌کند. برای اینکه این قوانین به نحو عادلانه اجرا شوند، باید یک سرباز یا دوربین در همه‌جا قرار داده شود که این امر نیازمند صرف هزینه‌های قابل توجهی است. حتی اگر حکومت این هزینه‌ها را متقبل شود، شکاف و بی‌اعتمادی زیادی میان آن و جامعه به وجود می‌آید. راه حل معقول‌تر این است که از جرم‌انگاری رفتارهایی که پذیرش و موافقت گسترده‌ی گسترده‌ی اعضای جامعه‌ی فرهنگی را به دنبال ندارند و موضوع نگرانی جدی آن‌ها نیستند، اجتناب شود یا در جرم‌زدایی از آن رفتارها درنگی صورت نگیرد. با وجود این، در قوانین کیفری ما دست‌کم در دو مورد این اتفاق رقم نخورده است و جرم‌انگاری نسبت به فرهنگ تأخر دارد. یکی فرهنگ ظاهر شدن با پوشش نامناسب در خیابان است و دیگری، فرهنگ استفاده از ماهواره.

۲-۱- **فرهنگ بی‌حجابی:** یکی از اهداف انقلاب اسلامی، تغییر فضای فرهنگی جامعه‌ی پیش از انقلاب بود. انقلاب اسلامی انقلاب چادرها لقب گرفت^{۵۰} و چه بسا پیش‌بینی می‌شد که حکومت انقلابی نسبت به تعیین نوع پوشش زنان، خود را بی‌تفاوت نشان ندهد. تحولات سال‌های آغازین پس از انقلاب در تثبیت پوشش مورد نظر رهبران مذهبی نظام نقش بسزایی داشت. جنگ تحمیلی و ضرورت دفاع از تمامیت ارضی کشور، جهاد فرهنگی، نقش معنوی زنان در تشویق مردان به حضور در جبهه‌ها، تشکیل کمیته‌ی انقلاب اسلامی و مقابله‌ی خیابانی با زنان بدحجاب، صدور اطلاعیه‌ها و بخشنامه‌های مربوط به پوشش، جلوگیری از ورود زنان بدحجاب به ادارات، سخنرانی‌های مسؤولان در نماز جمعه در مورد ضرورت پوشش زنان، تعیین مجازات شلاق برای زنان بدحجاب با وضع ماده‌ی ۱۰۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ و بسیاری از مسائل دیگر باعث شدند که تا پایان دهه‌ی ۶۰ پوشیدگی زنان در عرصه‌ی اجتماعی حفظ شود. در این دوره، فرهنگ جامعه هم‌هنگ با قانون و بخشنامه‌های دولتی بر این پوشیدگی تأکید می‌کرد و

۴۸. رضا کلهر، نذر امین‌صارمی و حامد نیاورانی، «تأثیر اقدامات بدوکی‌ها در سیستان و بلوچستان بر امنیت مناطق مرزی ایران و پاکستان»، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۲ (۱۳۸۷)، ۱۷۴ و ۱۷۵.

۴۹. اسماعیل یعقوبی و راحیل‌الله‌بخش، «بررسی عوامل قاجاق سوخت و راهبردهای پیشگیری از آن در شهرهای مرزی استان سیستان و بلوچستان» (مقاله‌ی ارائه‌شده در همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و راهبردها، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۳۰ و ۳۱ فروردین ۱۳۹۱).

۵۰. محمدسالار کسرائی و نرگس نیک‌خواه قمصری، «جنسیت و انقلاب: نگاهی متفاوت به مشارکت زنان در انقلاب اسلامی ایران»، پژوهشنامه متین، ۱۱ (۱۳۸۸)، ۹۹.

اکثریت اعضای جامعه معتقد بودند که عدم رعایت حجاب امری نادرست است. در سراسر جامعه کنترلی درونی در مورد ارزش‌های انقلابی و مذهبی وجود داشت و قبح بی‌حجابی نریخته بود.^{۵۱}

با آغاز دهه‌ی هفتاد و در طول دهه‌های بعد فرهنگی که حجاب برتر -چادر- را به مثابه ارزشی بنیادین تلقی می‌کرد، تحت تأثیر عواملی چون افزایش تعداد دختران دانشجو و تحصیل کرده، کم‌رنگ شدن ارزش‌های سنتی برخلاف ارزش‌های مدرن که بر پوشیدگی کمتر تأکید می‌کرد، افزایش شبکه‌های تلویزیونی، چاپ نشریات متعدد راجع به زنان، استفاده از رایانه و اینترنت، تغییر آیین‌نامه‌ی پوشش دانش‌آموزان و کارمندان دولت، برگزاری چند دوره نمایشگاه‌های بین‌المللی مد و لباس، ظهور شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام و اینستاگرام کاملاً دگرگون شد و حجاب بخشی از زنان از پوشیدگی فاصله گرفت و به سمت ایجاد شکاف با نمونه‌های اولیه‌ی تثبیت‌شده در اوایل انقلاب حرکت کرد.^{۵۲} نیروی انتظامی در واکنش به این تحول فرهنگی اقدام به اجرای طرح‌های مختلف برای مقابله با آنچه «بی‌حجابی» خوانده می‌شد، کرد. یکی از جدیدترین طرح‌ها، «طرح چهارگانه‌ی ناظر» است که بر اساس قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین شده است. عدم مغایرت این طرح‌ها با قانون اساسی و احکام شرعی به شدت مورد تردید قرار گرفته است.^{۵۳} نیروی انتظامی در «طرح ناظر ۱»، برای زنانی که در خودرو حجاب را رعایت نمی‌کنند، در «طرح ناظر ۲»، برای زنان بدحجاب و بی‌حجاب در پاساژها و فروشگاه‌های بزرگ، در «طرح ناظر ۳» برای زنانی که در معابر، پارک‌ها و خیابان‌ها بدون حجاب ظاهر می‌شوند و در «طرح ناظر ۴»، برای زنانی که در فضای مجازی از خودشان تصاویر یا فیلم‌های بدون حجاب منتشر می‌کنند یا تصاویر بدون حجاب‌شان را در نمایه‌ی تلگرام، واتس‌آپ یا اینستاگرام قرار می‌دهند، پرونده‌ی قضایی تشکیل می‌دهد و زمینه‌ی احضار آن‌ها را به دادگاه فراهم می‌کند.

قانونی بودن «طرح ناظر ۴» بیش از همه، محل تأمل است. تبصره‌ی ماده‌ی ۶۳۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ تا ب چنین تفسیر موسعی را ندارد که مثلاً با گذاشتن تصویر بی‌حجاب در بخش نمایه‌ی تلگرام یا شرح اتفاقات روزمره^{۵۴} در اینستاگرام، جرم مورد نظر محقق شود؛ زیرا صفحه‌ی شخصی در فضای مجازی جزو معابر و انظار عمومی نیست. با این رفتار، نه جرم تشویق مردم به فساد یا فحشا (بند ب ماده‌ی ۶۳۹ قانون تعزیرات) واقع می‌شود، نه جرم در معرض انظار عمومی قرار دادن محتوایی که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کنند (بند ۳ ماده‌ی ۶۴۰ قانون تعزیرات) و نه جرم انتشار محتویات مبتذل و مستهجن (ماده‌ی ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای). جرم همواره یک استثناء و رفتار عده‌ی اندکی از افراد جامعه است. اگر قانون را به گونه‌ای تفسیر کنیم که رفتار اکثریت جامعه یا شمار قابل توجهی از آن‌ها را دربرگیرد، این تفسیر ماست که اشکال دارد، نه رفتار آن‌ها. «عفت و اخلاق عمومی» به‌درستی در قانون تعریف نشده است؛ چرا که معنای ثابتی ندارند و بسته به تحولات فرهنگی جامعه در هر دوره متغیرند. بعید به نظر می‌رسد که جامعه‌ی امروز ایران انتشار عکس‌های بدون روسری یا نامناسب‌تر از این را عامل برهم خوردن عفت و اخلاق عمومی خود بداند. قاضی هم باید در تشخیص مصادیق و احراز جریحه‌دار شدن آن‌ها تابع همین عرف موجود باشد. اما ظاهراً آموزه‌های مسلم حقوق

۵۱. فرامرزی رفیع پور، توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰)، ۱۶۶.

۵۴. مجید اسدی فرسانی و فاطمه نجفی معتمد، «عوامل اجتماعی مؤثر در تحولات لباس اجتماع زنان ایرانی لباس بعد از انقلاب ۵۷»، فصلنامه‌ی مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، ۴، ۳ (۱۴۰۰)، ۱۰-۸.

۵۳. محمدجواد باقی زاده، مجید نیلی و بهنام یوسفیان شوردی، «طرح ناظر یک نیروی انتظامی در مواجهه با افراد بی‌حجاب در خودروها: دشواری‌های نظری و عملی»، مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، ۳، ۵ (۱۳۹۹)، ۹۲-۷۸.

کیفری همچون ضرورت مقابله‌ی کیفریِ حداقلی با شهروندان و تفسیر مضیق قوانین کیفری کمترین ارزش و اهمیتی برای تدوین‌کنندگان این طرح‌ها نداشته است. با وجود این اقدامات پلیسی و قضایی، دیدگاه جامعه نسبت به حجاب متفاوت است.

به طور کلی، در مورد دیدگاه جامعه راجع به مواجهه‌ی کیفری با پدیده‌ی فرهنگی حجاب، آمار دقیق و قابل اعتمادی وجود ندارد. از آنجا که حجاب به موضوعی سیاسی تبدیل شده است، نظروزی بر نظرسنجی در این زمینه چیره گشته و آمارهای متعارضی ارائه می‌شوند که غالباً بازتاب دیدگاه جناح‌های سیاسی موافق یا مخالف دولت است. طبق یکی از آخرین نظرسنجی‌هایی که از سوی انجمن دانش‌آموختگان علوم اجتماعی دانشگاه تهران انجام و در شهریور ۱۴۰۲ منتشر شد، ۴۹ درصد از بانوان پاسخ‌دهنده، مخالف الزام کیفری به حجاب هستند. کسانی که حجاب خود را تابعی از اجبار می‌دانند، در اقلیت هستند؛ به گونه‌ای که ۷۹ درصد بانوان اظهار داشتند که اجبار قانونی هرگز در باحجاب شدن آن‌ها تأثیری نخواهد داشت و زیر بار اجرای هیچ قانونی در این باره نخواهند رفت.^{۵۶}

با همه‌ی این مسائل، به نظر می‌رسد که قانون‌گذار تصور می‌کند اقدام به جرم‌زدایی از بی‌حجابی و همراهی کامل با خواست اکثریت محسوس جامعه اعتبار و جایگاهش را بویژه، نزد آن بخش از گروه‌های مذهبی رسمی که نماینده‌ی مردم نیستند و عمدتاً در نهادهای انتصابی مشغول به فعالیتند و اتفاقاً در سیاست‌گذاری‌های کلی نظام نفوذ بیشتری نسبت به مجلس دارند، مخدوش می‌سازد. همچنین، پذیرش این گزاره که در ایران، نظامی بر سر کار است که با اینکه داعیه‌ی اجرای تمام احکام شرعی مذهب اسلام را دارد، اما نوع پوشش زنان در آنجا اختیاری است و حکومت دخالتی در آن نمی‌کند، شاید برای کارگزاران نظام دشوار باشد. در حقیقت، مقنن چه بسا جرأت و جسارت و حتی اختیار قانونی لازم را ندارد که از راهی که رفته بازگردد و حکم به عدم الزام کیفری به حجاب بدهد. اما او چه بسا طبق این ملاحظات، نه تنها تاکنون از این رفتارها جرم‌زدایی نکرده، بلکه طی چند سال اخیر حمایت قاطع خود را نسبت به جرم‌انگاری هر چه بیشتر و برخوردهای شدیدتر با فرهنگ بی‌حجابی به منصف ظهور رسانده است.

تصویب قوانینی چون «لایحه‌ی حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» نشان می‌دهد که گر چه امکان اصلاح وضعیت و کاهش تأخر جرم‌انگاری در زمینه‌ی پوشش با فرهنگ جامعه وجود ندارد، اما ظرفیت بسیار بالایی برای تشدید تأخر میان جرم‌انگاری و فرهنگ وجود دارد. در لایحه‌ی پیش‌گفته گستره‌ی جرم‌انگاری‌ها افزایش یافته و علاوه بر بی‌حجابی، برهنگی، بی‌عفتی، بدپوششی، توهین یا تمسخر حجاب و ترویج یا تبلیغ هر یک از این رفتارها در فضای واقعی و مجازی از سوی زنان و مردان جرم‌انگاری شده‌اند. باید منتظر ماند و دید که آیا با اجرایی شدن این قانون، مقنن می‌تواند برخلاف چهار دهه تجربه‌ی ناکام در الزام کیفری بانوان به حجاب، اکنون با جرم‌انگاری‌های بیشتر، با فرهنگ بی‌حجابی مقابله کند یا آنکه وضعیت تأخر مورد بحث، وخیم‌تر از آنچه اکنون هست، خواهد شد.

۲-۲- فرهنگ استفاده از ماهواره: علت مخالفت صاحبان قدرت با ماهواره این بوده است که غرب و استکبار جهانی به لحاظ سخت‌افزاری و در صحنه‌ی نبرد از انقلاب اسلامی شکست خورده و حال، از طریق پخش برنامه‌ها در شبکه‌های ماهواره‌ای به ترویج

۵۶. «نظرسنجی جدید دولتی درباره حجاب؛ ۸۴/۲ درصد زنان به حجاب اعتقاد دارند»، خبرگزاری فرارو، ۱۴۰۲/۰۶/۱۲.

فرهنگ غربی، انحراف فکر و ذهن جوانان، فروپاشی بنیان خانواده‌های ایرانی و نابودی ارزش‌های الهی و دینی روی آورده‌اند.^{۵۷} بی‌تردید، با ورود برنامه‌های ماهواره‌ای به ایران افکار جدید و روش‌های زندگی وارداتی گسترش یافت و این مسأله باعث شد که بخشی از جوانان نسل دهه‌ی هفتاد به بعد، از پذیرش کامل ارزش‌های فرهنگی دیرپای جامعه‌ی خود سرباز زند، آن را به چالش بکشد و عادات رفتاری فردی و اجتماعی خود را متناسب با ارزش‌های مورد ترویج سریال‌ها و برنامه‌های ماهواره‌ای سامان دهد.^{۵۸} در واکنش به این مسائل «قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره» در بهمن ۱۳۷۳ تصویب گشت. بر اساس این قانون، استفاده، توزیع، حمل، نصب، تعمیر یا داشتن تجهیزات دریافت از ماهواره جرم است. نیروی انتظامی به استناد این قانون بارها در قالب عملیات ضربتی موسوم به راپل (فرود از بلندی با طناب)، آنتن‌هایی را که در طبقات مختلف ساختمان روی پنجره‌ها و بالکن نصب شده بود، جمع‌آوری می‌کرد. اقدام دیگر برای مقابله با ماهواره، ارسال پارازیت به منظور اختلال در پخش شبکه‌های ماهواره‌ای بوده است.

با این حال، «جرم‌انگاری استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای در شرایطی صورت گرفت که هنجارهای برخی از مردم در آن دوره استفاده از ماهواره را بهنجار می‌پنداشت. در دوره‌ی کنونی نیز اکثر افراد جامعه از ماهواره استفاده می‌کنند.^{۵۹}» برخی از ایشان، در دوره‌هایی که طرح‌های ضربتی نیروی انتظامی برای جمع‌آوری آنتن‌های ماهواره جریان پیدا می‌کرد، برای مصون ماندن از عملیات پلیس، آنتن‌های ماهواره را در داخل منزل خود نصب می‌کردند. اما مدت‌هاست که به دلیل پیشرفت فناوری‌های ارتباطی، دیگر نیازی به نصب آنتن در پشت بام یا داخل منزل، تهیه‌ی دستگاه دریافت‌کننده‌ی شبکه‌ها و حتی تلویزیون هم نیست. نرم‌افزارهای تماشای برخی شبکه‌های ماهواره‌ای با نصب بر روی تلفن‌های همراه امکان استفاده از ماهواره را در طول شبانه‌روز در هر مکانی برای کاربران فراهم ساخته‌اند. این تحول فناورانه باعث شده که توصیفات مقنن برای تحقق ارکان مادی جرم، عملاً موضوعیت خود را از دست بدهند. ماهواره چنان با فرهنگ مردم آمیخته شده و در میان ایشان نفوذ کرده است که تنها کارایی قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره این است که از آن، به‌عنوان یک مثال مناسب برای قوانین متروک و بی‌فایده استفاده و نشان داده شود که چگونه پافشاری قانون‌گذاران و سیاست‌سازان فرهنگی یک کشور به تدریج موجب واپس ماندگی قانون نسبت به فرهنگ می‌شود.

درسی که نظریه‌ی تأخر فرهنگی با توجه به ناکامی جرم‌انگاری هنجارهای فرهنگی رایج و عمومی در جامعه به ما می‌آموزد این است که اگر با انجام اقدامات غیر تنبیهی و نرم نظیر طرح‌های موسوم به «کلاس شهر» که در سال‌های اخیر به منظور اقناع و درونی کردن عناصر فرهنگی و جامعه‌پذیر ساختن مردم اجرا شده است، پخش برنامه‌های فرهنگی از رسانه‌های دیداری و شنیداری و اجرای برنامه‌های فرهنگی متنوع از سوی شوراهای فرهنگ عمومی از سوی شهرداری‌ها نتوان جامعه‌ی هدف، یعنی بانوان بدحجاب یا بی‌حجاب را قانع ساخت که نوع پوشش خود را تغییر دهند و یا مردم را متقاعد کرد که از ماهواره استفاده نکنند، بعید به نظر می‌رسد که با جرم‌انگاری بتوان طرفی بست. در نتیجه، تنها دو راه باقی می‌ماند: حکومت تن به فرهنگ جامعه بدهد و یا چنین نکند و در اثر تأخر، اقتدار و اعتبار اخلاقی‌اش را بیش از پیش از دست بدهد و متروک شود.

۵۷. شهروز شهریوی و محمدعلی حاجی ده‌آبادی، «نقد و بررسی قانون ممنوعیت استفاده از ماهواره از منظر حقوقی فقهی و جرم‌شناختی»، ماهنامه شباک، ۲، ۳ (۱۳۹۵)، ۷.

۵۸. محمدحسین شریفی ساعی و دیگران، «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۲، ۲ (۱۳۹۰)، ۲.

۵۹. حمیدرضا دانش‌ناری «رویکرد کثرت‌گرایی فرهنگی به تفسیرهای قضایی از قوانین کیفری» (پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۲).

نتیجه‌گیری

هر یک از عناصر فرهنگی در عین وابستگی به عنصر دیگر، ذاتی متفاوت و وضعی خاص دارند. دگرگونی یک عنصر با سرعت یکسانی در عناصر دیگر منعکس نمی‌شود، بلکه هر عنصری مطابق مختصات خود و به نسبت رابطه‌ای که بین آن و عنصر دگرگون‌شده برقرار است با سرعت معینی تغییر می‌کند. از این رو، هر یک از عناصر فرهنگی هر جامعه برای همسازی با عنصر تغییر یافته به مدت زمانی که البته در مورد همه‌ی آن‌ها برابر نیست نیازمندند. تأخر فرهنگی از اینجا زاده می‌شود.

از یک سو، حضور اقوام مختلف در کشور موجب پیدایش خرده‌فرهنگ‌های گوناگونی مانند خرده‌فرهنگ اسلحه و قاچاق سوخت شده است و از سوی دیگر، تغییرات مادی واقع شده در جامعه پس از جنگ هشت ساله با عراق باعث تغییر فضای فرهنگی گشته که یکی از پیامدهای فراگیر آن، ارزش‌زدایی مطلق یا نسبی از بعضی از ارزش‌های بیشتر مورد اعتنا نظیر رعایت حجاب شرعی در ملاء عام و عدم استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای بوده است. جهت‌گیری نظام قانون‌گذاری کیفری ایران در پذیرش عناصر خرده‌فرهنگی و فرهنگ حاکم بر اکثریت اعضای جامعه در زمینه‌ی جرم‌انگاری رفتارهای منبعث از هویت فرهنگی افراد، یکسان بوده، اما نتایج یکسانی به دنبال نداشته است. قانون‌گذار کیفری هم به جرم‌انگاری خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه‌ی موصوف پرداخته و هم برخی رفتارهای فرهنگی غالب را جرم‌انگاری نموده که حسب مورد به تأخر خرده‌فرهنگ نسبت به قانون و قانون نسبت به فرهنگ غالب منجر شده و در هر دو حالت، به قانون‌شکنی و کاهش اقتدار اخلاقی قانون دامن زده است.

در وضعیت تاخر فرهنگی، انتظار می‌رود که تلاش‌هایی در راستای رفع یا دست‌کم کاهش شکاف میان عناصر یک فرهنگ صورت گیرد و این امر به معنای انعطاف‌پذیری عناصر واپس مانده در برابر عناصر پیشرو است. با این حال، این مهم در برهم‌کنش یا تأثیر و تأثر متقابل میان جرم‌انگاری و فرهنگ حاصل نشده است. نه جرم‌انگاری خرده‌فرهنگ اسلحه و قاچاق سوخت باعث شده که اعضای خرده‌فرهنگ از عادت به ارتکاب این رفتارها دست بردارند و به بازاندیشی در ارزش‌های خرده‌فرهنگی‌شان بپردازند و نه تحولات فرهنگی در حوزه‌ی حجاب و ماهواره اثری روی قانونگذار داشته است؛ چنانکه استفاده از ماهواره همچنان جرم است و برخورد سختگیرانه‌تر نسبت به زنان بی‌حجاب، بدحجاب، بی‌عفت و غیره و حتی مردان، اخیراً با تصویب لایحه‌ی «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» لباس قانونی به تن کرده است.

با توجه به این نتایج، می‌توان پیشنهادهایی را به شرح زیر ارائه کرد:

- دشوار ساختن دسترسی آسان و ارزان به سلاح در استان‌هایی که این ابزار بخشی از هویت فرهنگی آن‌هاست.
- اصلاح سیاست‌های کلان در جهت رفع یا کاهش انگیزه‌های ارتکاب قاچاق سوخت به استناد هنجارهای فرهنگی نظیر بهبود اوضاع اقتصادی مناطق مرزی و رفع تبعیض در میان آن‌ها به منظور مقابله با اشتغال و درآمدزایی کاذب از طریق قاچاق سوخت
- مقابله‌ی حقیقی و قاطع با عوامل انسانی اصلی و پنهان قاچاق سوخت بواسطه‌ی رفع تعارض منافع در امر مبارزه با قاچاق و بهره‌گیری کامل از سامانه‌های به‌روز و برخط نظارت یکپارچه بر فرایند حمل و نقل و شناسایی هوشمند
- پذیرش فرهنگ موجود حجاب در جامعه از سوی حکومت، احترام به تفاوت نگرش افراد نسبت به تعیین مصداق پوشش مناسب و پرهیز از اقدامات قهرآمیز در سطح تقنینی و عملی در این حوزه
- نسخ قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره

فهرست منابع

- احمدی کهنعلی، رضا، رضا عامری سیاهویی و شقایق مشایخی نژاد. «بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر قاچاق سوخت استان هرمزگان با تکنیک تجزیه و تحلیل شکست فازی و راهکارهای پیشگیری از آن». پژوهشنامه‌ی فرهنگی هرمزگان، ۱۶ (۱۳۹۷)، ۳۶-۲۳.
- ازکیا، مصطفی و یوسف راهنما. «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر قاچاق سوخت؛ مطالعه موردی: باغ شایگان مهاباد». پژوهشنامه علوم اجتماعی، ۲، ۲ (۱۳۸۷)، ۴۸-۳۵.
- اسدی فارسانی، مجید و فاطمه نجفی معتمد. «عوامل اجتماعی مؤثر در تحولات لباس اجتماع زنان ایرانی لباس بعد از انقلاب ۵۷». فصلنامه‌ی مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، ۴، ۳ (۱۴۰۰)، ۱۲-۱.
- اسدی فرد، محمد و جلال همتی. «شناسایی عوامل و پیامدهای به کارگیری سلاح غیر مجاز در استان کرمانشاه». فصلنامه‌ی علمی پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۱۶ (۲): ۹۶-۶۹.
- آگبورن، ویلیام ف. و مایر ف. نیم‌کوف، زمینه‌ی جامعه‌شناسی، چاپ دوم. ترجمه و اقتباس امیرحسین آریان پور. تهران: نشر گستره، ۱۳۸۸.
- الله‌وردی، فرهاد و محمد فرجیپا. «جرم‌انگاری رسانه‌ای: رمزگذاری و رمزگشایی مستند شوک». مجله جهانی رسانه، ۹، ۱ (۱۳۹۳)، ۱۷-۱.
- باقری، معصومه، مرضیه شهریاری، سجاد بهمنی و علی بوداکی. «واکاوی تعیین‌گرهای اجتماعی و فرهنگی نگهداری و استفاده از سلاح گرم در استان خوزستان». پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۲۴، ۴ (۱۴۰۲)، ۴۶-۲۳.
- doi: 10.22108/SRSPI.2024.137410.1902
- باقی زاده، محمدجواد، مجید نیلی و بهنام یوسفیان شوردی. «طرح ناظر یک نیروی انتظامی در مواجهه با افراد بی‌حجاب در خودروها: دشواری‌های نظری و عملی». مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، ۳، ۵ (۱۳۹۹)، ۹۷-۷۵.
- تازی، فتح اله و سعید غلامی باغی. «تأثیر متقابل فرهنگ و قاچاق کالا». ماهنامه‌ی مهندسی فرهنگی، ۴، ۴۱ و ۴۲ (۱۳۸۹)، ۶۲-۴۸.
- خاکباز، زهرا و حسن ذوالفقاری. «هیولاه؛ عروسی خوانی لری (تحلیل محتوا و ساختار یک عروسی خوانی)». ادب فارسی، ۱۲، ۱ (۱۴۰۱)، ۲۱۰-۱۸۷.
- doi: 10.22059/jpl.2022.341146.2044
- دانش‌ناری، حمیدرضا. «رویکرد کثرت‌گرایی فرهنگی به تفسیرهای قضایی از قوانین کیفری». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۲.
- دانش‌ناری، حمیدرضا و حسین حسینی، «قابلیت استناد به هنجارهای فرهنگی در مرحله‌ی تعیین کیفر؛ مطالعه‌ی تطبیقی در نظام قضایی ایران، آلمان و آمریکا»، حقوق تطبیقی، ۷، ۲ (۱۳۹۵)، ۵۴۹-۵۳۳.
- doi.org/10.22059/jcl.2016.60692
- دانش‌ناری، حمیدرضا و زهرا دانش‌ناری. «فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی در نظام جرم‌انگاری ایران». مجلس و راهبرد، ۲۸، ۱۰۸ (۱۴۰۰)، ۹۸-۶۷.
- doi: 2021.3833.3877MR10.22034/
- رایجیان اصلی، مهرداد، اسماعیل رحیمی نژاد و رضا رزم‌آور بناب. «سیاست‌گذاری جنایی تقنینی در آینده‌ی جرم‌شناسی فرهنگی: با رویکردی انتقادی به نمونه‌هایی از چالش‌های آن در ایران». مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۱، ۲۱ (۱۴۰۲)، ۳۰۲-۲۵۹.
- doi: 10.22034/JCLC 2023.346236.1706
- رایجیان اصلی، مهرداد. «بزه‌دیدگان؛ حقوق و حمایت‌های بایسته». پژوهش حقوق عمومی، ۸، ۱۹ (۱۳۸۵)، ۱۳۸-۱۱۷.
- رفیع پور، فرامرز. توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران. چاپ پنجم. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- زکایی، محمد. «جرم‌شناسی فرهنگی و مسأله‌ی جوانان». مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۳، ۱ (۱۳۹۱)، ۸۴-۵۹.
- doi: 20.1001.1.17351901.1391.13.1.3.6،
- زینالی، امیرحرمزه. جرم‌انگاری در حوزه‌ی فرهنگ. چاپ نخست. تهران: مجد، ۱۳۹۴.
- سازگارا، پروین. نگاهی به جامعه‌شناسی با تأکید بر فرهنگ. چاپ نخست. تهران: کویر، ۱۳۷۷.

- سپاهی، ناصر. «ارزیابی سیاست جنایی ایران در کنترل قاچاق سوخت، نمونه‌پژوهی سیستان و بلوچستان». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۹.

- شرفی، حجت اله، علی شکور و یاسمین درازهی. «تحلیلی بر قاچاق کالا و عوامل مؤثر بر آن در روستاهای شهرستان مرزی سراوان». فصلنامه‌ی علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۰، ۳۷ (۱۳۹۹)، ۶۳-۷۶.

doi: 20.1001.1.22516735.1399.10.37.5.3

- شریفی ساعی، محمدحسین، تقی آزادارمکی، مریم ایثاری و سحر طالبی. «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران». جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۲، ۲ (۱۳۹۰)، ۱-۳۴.

- شهری، شهرزاد و محمدعلی حاجی ده‌آبادی. «نقد و بررسی قانون ممنوعیت استفاده از ماهواره از منظر حقوقی فقهی و جرم‌شناختی». ماهنامه شبک (شبکه‌ی اطلاعات کنفرانس کشور)، ۲، ۲ (۱۳۹۵)، ۱-۹.

- عابد، رسول و غلامحسین الهام. «شکل‌گیری حق داشتن سلاح و تأثیر آن بر حقوق کیفری». پژوهش حقوق کیفری، ۲، ۷ (۱۳۹۳)، ۷۳-۱۰۲.

- کسرابی محمدسالار و نرگس نیک‌خواه قمصری. «جنسیت و انقلاب: نگاهی متفاوت به مشارکت زنان در انقلاب اسلامی ایران». پژوهشنامه متین، ۱۱، ۴۴ (۱۳۸۸)، ۹۹-۱۲۳.

doi: 20.1001.1.24236462.1388.11.44.5.1

- کلهر، رضا، نذر امین‌صارمی و حامد نیاورانی. «تأثیر اقدامات بدوکی‌ها در سیستان و بلوچستان بر امنیت مناطق مرزی ایران و پاکستان». فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۲، ۳ (۱۳۸۷)، ۱۸۰-۱۶۸.

- محسنی، منوچهر. بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران، چاپ نخست. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶.

- موسوی‌زاده مرکیه، شهاب‌الدین. «تنش و تضاد قانون‌گرایی و فرهنگ در عصر جهانی شدن». فصلنامه‌ی پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱، ۲۱ (۱۳۹۶)، ۱۵۸-۱۳۵.

- مهربابی، علی و فرهاد الله‌وردی. «عقلانیت جنایی»: محدودیت‌ها و چالش‌ها (با تأکید بر جرایم خشونت‌بار). آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۶، ۱۷ (۱۳۹۸)، ۲۹۸-۲۶۹.

doi: 20.1001.1.22519351.1398.16.17.9.1

- ناروقه، نعمت الله، فرهاد الله‌وردی و مهدی کاظمی جویباری. «رابطه جرم و جغرافیا». جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران)، ۱۸، ۶۷ (۱۳۹۹)، ۱۳۰-۱۱۷.

doi: 20.1001.1.27172996.1399.18.4.9.0

- نجفی عمران، عبدالرحمن و عباس الهی. «واکاوی نافرمانی از حاکم در منظومه فکری اهل سنت». فقه حکومتی، ۶، ۱۱ (۱۴۰۰)، ۵۴-۳۳.

- نوربخش، یونس. «فرهنگ و قومیت؛ مدلی برای ارتباطات فرهنگی در ایران». فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، ۱، ۴ (۱۳۸۷)، ۹۰-۶۷.

doi: https://doi.org/10.7508/ijcr.2008.04.004

- هوشیار، مهدی. «دفاع فرهنگی در نظام عدالت کیفری ایران و آمریکا». پژوهشنامه حقوق کیفری، ۷، ۲ (۱۳۹۵)، ۲۹۸-۲۷۳.

- یعقوبی، اسماعیل و راحیل الله‌بخش. «بررسی عوامل قاچاق سوخت و راهبردهای پیشگیری از آن در شهرهای مرزی استان سیستان و بلوچستان». (مقاله‌ی ارائه‌شده در همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و راهبردها، دانشگاه سیستان و بلوچستان. ۳۰ و ۳۱ فروردین ۱۳۹۱).

- خبرگزاری جمهوری اسلامی. «آسیب‌شناسی تیراندازی در مجالس عزا و عروسی». ۱۶/۰۷/۱۴۰۲. <https://www.irna.ir/news/85247461>

- خبرگزاری فرارو. «نظرسنجی جدید دولتی درباره حجاب؛ ۸۴٪ درصد زنان به حجاب اعتقاد دارند». ۱۲/۰۶/۱۴۰۲. www.fararu.com/fa/amp/news/662754

- Ferrell, Jeff. "Cultural Criminology". Annual Review of Sociology, 25 (1999), 395-418.

- Marshall, Patricia and Barbara Koenig. "Accounting for Culture in a Globalized Bioethics". Journal of Law, Medicine and Ethics, 32, 2 (2004), 252-266. doi: 10.1111/j.1748-720x.2004.tb00472.x.

- Ogburn, William F. *Social change with respect to culture and original nature*. New York: B.W. Huebsch, Inc..

Turner, Graener. *British Cultural Studies: An Introduction*, 3rd Edition, London: Routledge, 2003.

-Ruggiero, Josephine. *Culture, Change, and Cultural Lag: A Commentary and a Challenge*. Digital commons .Providence Edu, 2018.